



ماهیت عالم برزخ در نگاه اندیشمندان مسلمان

صادق صالحی*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱

چکیده

برزخ به معنای حدفاصل بین دنیا و قیامت می‌باشد که گاهی نیز آن را با نام‌هایی چون عالم مثال و برزخ نزولی می‌خوانند. انسان با مرگ جسمانی از مرتبه مادی عبور کرده و به عالم برزخ و بعد به عالم عقول راه می‌یابد. انسان در فاصله عالم برزخ از نوعی حیات برخوردار است و میزان طولانی شدن مدت برزخ برای اشخاص، به میزان تعلقات آنان به دنیا بستگی دارد. این مرحله تا قیامت کبری ادامه دارد تا انسان برای حساب عمومی حاضر گردد. تحقیق پیش‌رو با عنوان «ماهیت عالم برزخ در نگاه اندیشمندان مسلمان» می‌باشد که هدف از انجام آن، بررسی نظرات اندیشمندان مسلمان در خصوص ماهیت و چیستی عالم برزخ و ویژگی‌های آن می‌باشد. روش تحقیق در این مسأله تحلیلی - توصیفی است که این مهم با مراجعه به آیات و روایات و تفاسیر مفسرین و اندیشمندان اسلامی محقق گردید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عالم برزخ عالمی ما بین دنیا و قیامت است که هر انسانی بعد از وفات وارد آن می‌شود و با توجه به اعمال نیک و بدی که در این دنیا انجام داده در برزخ جزا داده می‌شود. به باور ایشان برزخ همان قبر است و همین که انسان وارد قبر می‌شود یعنی وارد برزخ شده است. دیدگاه اندیشمندان مسلمان درباره ماهیت عالم برزخ یکسان بوده و غالب ویژگی‌های عالم برزخ از نظر ایشان با هم شباهت دارد. از جمله: شباهت بدن برزخی به جسم لطیف، تشابه عالم برزخ به عالم رؤیا، بالارفتن درک و آگاهی انسان در برزخ، بهشت و جهنمی بودن برزخیان و...

کلیدواژگان: برزخ، اندیشمندان مسلمان، روح، روایات، ماهیت برزخ، نفس.

* دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه قم.

مقدمه

عالم برزخ یا عالم مثال، یکی از مباحث پیچیده و دشوار فلسفی، کلامی و عرفانی است. به نظر می‌رسد دلیل این امر بواسطه عدم دسترسی دانش و درایت عمومی بشر به جهان برزخ بوده و همواره شبهاتی پیرامون چگونگی و وضعیت عالم برزخ وجود داشته است. با این حال، حکما، فلاسفه و عرفا به طور مفصل درباره چگونگی عالم برزخ و معاد بحثهای فراوانی کرده و به احوالات انسان پس از مرگ توجه کرده‌اند.

همچنین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این مباحث بخاطر شبهات وارده از سمت دشمنان و مغرضان دینی، بیشتر مورد توجه متفکرین جامعه اسلامی قرار گرفت و ضرورت پرداختن به این امر جدی‌تر شد. علماء مسلمان معاصر نیز در پژوهش‌های متعددی به تأمل و تعمق درباره آن پرداخته اند که بعضی آن را در خلال مباحثشان ذکر کرده اند و برخی هم کتابهای مستقلی در این باره نوشته اند.

ناگفته نماند که قرآن کریم اصل وجود عالم برزخ را با لسان صریح آیات متعددی به اثبات رسانده است.

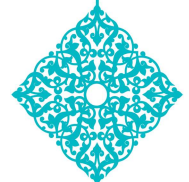
از این رو نوشتار حاضر با عنوان « ماهیت برزخ در نگاه اندیشمندان مسلمان » تلاش دارد با استفاده از منابع موجود، با تبیین مباحث مقدماتی همچون مفهوم روح و نفس و برزخ از منظر آیات و روایات و با بهره‌گیری از دیدگاههای اندیشمندان مسلمان، ماهیت برزخ و ویژگی‌های آن را بررسی کند.

در ادامه با ذکر چند ویژگی از عالم برزخ، مقاله را با ذکر دیدگاه چند تن از اندیشمندان مسلمان متقدم و معاصر درباره ماهیت برزخ به پایان می‌بریم.

مفهوم شناسی

واژه نفس

در لغت معنای اصلی «نفس» ذات شیء است. مثلاً معنای نفس انسان همان خود انسان است و معنای نفس سنگ همان خود سنگ است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴ش: ج ۱۴، ص ۲۸۵؛ راغب اصفهانی، مفردات الالفاظ القرآن؛ بی تا: ص ۸۱۸؛ جوادی





آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۹۷ش: ج ۱۳، ص ۶۴۲). نفس به این معنا در آیات قرآن بر خداوند نیز اطلاق شده است، مانند «قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَيَّ نَفْسِي الرَّحْمَةَ» (انعام: ۱۲)

البته نفس در معانی دیگری نیز به کار رفته است که از آن جمله، روح انسانی است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ق: ج ۱۴، ص ۲۳۳؛ طریحی، مجمع البحرین، بی تا: ص ۱۲۹۰؛ مجموعه من المؤلفین، معجم الوسیط، بی تا: ج ۲، ص ۹۴۰). «النفس: الروح الذی به حیاة الجسد» (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۱۸۲۲). این کلمه که در قرآن، بیش از ۲۹۰ مرتبه هم به صورت مفرد و هم به صورت جمع به کار رفته است، دارای معانی و مصادیق متعددی است (راغب اصفهانی، پیشین، ص ۸۱۸؛ طباطبایی، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۸۵؛ قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۷۱ش: ج ۷، ص ۹۴). در آیات به کار رفته درباره نفس انسان، گاهی مصداق نفس را بدن انسان، گاهی روح انسانی و گاهی مجموعه ای از روح و بدن ذکر کرده است (برای مشاهده آیات، ر.ک: مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴۳۰ق: ج ۱۲، ص ۲۱۹-۲۲۰). نفس اغواگر یا مسوئه (یوسف: ۱۸؛ طه: ۹۶)، نفس هدایتگر یا ملهمه (شمس: ۷-۸)، نفس اماره یا نفس سرکش (یوسف: ۵۳)، نفس لوآمه یا سرزنشگر (قیامت: ۲) و نفس مطمئنه یا اطمینان آور (فجر: ۲۷) حالات و کیفیات گوناگون نفس هستند (مصباح یزدی، به سوی او، ۱۳۸۲ش: ص ۳۴؛ جوادی آملی، پیشین، ج ۲۴، ص ۱۲۳) یا به عبارتی مراحل یا صفات مختلف نفس واحد انسانی هستند (مصباح یزدی، سجاده های سلوک، بی تا: ج ۱، ص ۱۳۴).

در اینجا به برخی آیات قرآن که در آنها منظور از نفس، تنها همان روح انسانی است،

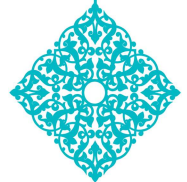
اشاره می‌کنیم:

۱- «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (زمر: ۴۲). در اینجا يتوفى النفس يعنى يتوفى الأرواح (طباطبایی، پیشین، ج ۱۷، ص ۲۶۹ و ج ۱۰، ص ۱۱۸؛ طبرسی، مجمع البيان فى تفسير القرآن، ۱۳۷۲ش: ج ۸، ص ۷۸۱؛ طوسی، التبيان فى تفسير القرآن، بی تا: ج ۹، ص ۳۳؛ قرشی، پیشین، ج ۷، ص ۹۴؛ مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۴۵۱؛ مصباح یزدی،

به سوی او، ص ۳۳). در برخی آیات نظیر آیه ۱۱ سوره سجده «قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ»، «توفی» به ضمیر «کم» اسناد داده شده که مقصود از آن همان نفس یا روح انسانی است که خداوند پس از نفخ روح، همان را در هنگام مرگ قبض می‌کند (طباطبایی، انسان از آغاز تا انجام، ص ۲۹؛ همو، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۱۸؛ مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۴۵۱).

۲- «أُخْرِجُوا أَنْفُسَكُمْ أَيُّومَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ» (انعام: ۹۳)؛ مراد از انفسکم در این آیه، روح انسانی است (طباطبایی، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۸۵؛ ج ۷، ص ۲۸۴؛ جوادی آملی، پیشین، ج ۲۶، ص ۳۵۰؛ مصباح یزدی، به سوی او، ص ۳۳). «البته این مسأله در جای خود اثبات شده که مراد از خروج روح از بدن، نه خروجی مادی، بلکه قطع علاقه نفس از بدن است» (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۸۵).

حقیقت و هویت انسان، نفس و روح اوست که برخلاف دگرگونی‌های پیاپی در بدن انسان، نفس او ثابت و پایدار است و بدن ابزاری برای نفس یا روح می‌باشد (طباطبایی، پیشین، ج ۱۰، ص ۱۱۹؛ مصباح یزدی، سجاده‌های سلوک، ج ۲، ص ۲۸۸). «انسان در هر سه نشئه دنیا، برزخ و آخرت متناسب با آن نشئه دارای بدن است و آنچه که بدن را در هر سه عالم تدبیر می‌کند، نفس انسانی است» (جوادی آملی، صورت و سیرت انسان در قرآن، ۱۳۷۹ش: ص ۲۱۴؛ همو، تسنیم، ج ۸، ص ۳۹۷). به نظر برخی دانشمندان، استعمال نفس به روح به اعتبار این است که روح به بدن تعلق دارد و در مقام مدبر بودن روح برای بدن است (جوادی آملی، حیات حقیقی انسان در قرآن، ۱۳۹۸ش: ج ۱۵، ص ۴۸). آیت الله مصباح یزدی (ره) در این باره می‌گوید: «نفس بودن نفس به آن است که در بدن تصرف کند و به تدبیر آن اشتغال یابد و از رهگذر این تدبیر به کمالاتی نایل آید؛ و این امر از عوارض لاحق بر ذات نفس نیست، بلکه از ذاتیات نفس است و از نحوه وجود تعلق آن برمی‌خیزد.» (مصباح یزدی، شرح اسفار، ۱۳۷۴ش: ج ۸، جزء دوم، ص ۳۷۹).



واژه روح

لغویون برای واژه «روح» معانی متعددی ذکر کرده اند که از جمله آن معانی، نفس انسانی است (فیومی، مصباح المنیر، ۱۹۷۷م: ج ۱، ص ۱۲۸؛ مجموعه من المؤلفین، پیشین، ص ۳۸۰؛ ابن منظور، پیشین، ج ۵، ص ۳۶۱). «الروح: النفس التي يحيى بها البدن. يقال خرجت روحه ای: نفسه»؛ یعنی روح همان نفس است که با آن بدن زنده می‌شود. وقتی گفته می‌شود روحش خارج شد یعنی نفسش خارج شد (فراهیدی، پیشین، ج ۱، ص ۷۲۵). واژه روح در قرآن، ۲۱ مرتبه به کار رفته که از جهت موارد کاربرد باهم متفاوت هستند (قرشی، پیشین، ج ۲، ص ۱۳۱). که با توجه به موارد استعمال گوناگون روح در قرآن دانسته می‌شود که روح به مخلوقات ذی شعوری اطلاق می‌شود که از سنخ مادیات نیستند و در قرآن در دو مورد، در معنای حقیقی به کار رفته است: مورد اول درباره روح انسان است و مورد دوم درباره موجودی که از نوع فرشتگان است (مصباح یزدی، پیشین، ج ۸، ص ۳۵۴).

با دقت در آیات قرآن مربوطه و کاربرد لفظ روح در هریک از آیات، درمی‌یابیم که در برخی آیات مقصود از روح، روح انسانی است:

۱. آیات نفخ روح: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر: ۲۹؛ صاد: ۷۲؛ تحریم: ۱۲؛ سجده: ۹).

۲. آیه سوال از روح: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (اسراء: ۸۵). درباره این آیه اختلاف شده است که مراد از این روح چیست؟ (درباره آرای گوناگون، ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۶۷۴؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰ق: ج ۲۱، ص ۳۹۳). علامه طباطبایی (ره) مراد از روح را مطلق روح می‌داند، چه روح انسانی باشد و چه فرشته ای از فرشتگان الهی باشد (طباطبایی، پیشین، ج ۱۳، ص ۱۹۹). برخی محققان هر دو احتمال را مطرح کرده اند، ولی احتمال اینکه مراد از روح، فرشته ای از فرشتگان الهی باشد، مشهودتر است (مصباح یزدی، پیشین، ج ۸، ص ۳۵۴). اما برخی از مفسران شیعه و سنی، آن را بر روح انسانی کرده حمل اند (طوسی، پیشین، ج ۶، ص ۵۱۵؛ افندی آلوسی، تفسیر آلوسی، ۱۴۱۸ق: ج ۸، ص ۱۴۴؛ بیضاوی، انوارالتزیل، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۲۶۵).



در برخی آیات نیز هرچند واژه روح نیامده، اما به روح انسانی اشاره شده است؛ نظیر آیات ۱۳-۱۴ سوره مؤمنون که مراحل خلقت انسان را بیان می‌کند. بنا بر نظر بیشتر مفسران منظور از «خَلْقًا آخَرَ» در آیات فوق روح انسان می‌باشد (طباطبایی، پیشین، ج ۱۵، ص ۲۱؛ طبرسی، پیشین، ج ۷، ص ۱۶۱؛ فخر رازی، پیشین، ج ۲۳، ص ۲۶۵؛ جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۲۶، ص ۱۲۵، مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۳۴۹). خداوند در این آیات با عبارت «أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» اشاره به آفرینش روح انسانی کرده؛ همچنان که در آیه ۵۹ سوره آل عمران با عبارت «کن فیکون» به نحوه آفرینش روح پرداخته است (طباطبایی، پیشین، ج ۱۲، ص ۱۵۴؛ جوادی آملی، پیشین، ج ۲۶، ص ۱۳۹).

در دین اسلام، انسانیت انسان به روح اوست که در وی دمیده شده است و این روح انسانی است که مورد تکریم قرار گرفته است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰) از منظر قرآن کریم فرشتگان زمانی به سجده در برابر آدم مأمور شدند که روح الهی در او دمیده شده بود و آیات توفی که می‌فرماید: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (زمر: ۴۲). دلیل آن است که روح انسان، هویت واقعی او را تشکیل می‌دهد (جوادی آملی، پیشین، ج ۱۴، ص ۷۹).

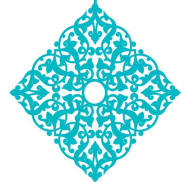
واژه برزخ

۲۰

معنای لغوی برزخ

برزخ واژه ای عربی از ریشه (بَ رَ زَ) در لغت به معنای حایل شدن بین دو شیء است که حرف خاء زایده بوده و بر تاکید دلالت دارد؛ عده ای واژه برزخ را معرب «برزه» می‌دانند که آن هم به معنای حائل و حاجز میان دو شیء است، در این صورت خاء جزء حروف اصلی خواهد شد. گویا در اصل به معنای قطعه زمینی بوده که بین دو شیء وجود داشته، ولی بعدها معنای آن مبسوط‌تر شده و بر هر چیزی که مانع میان دو شیء شود، اطلاق شده است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ۱۴۰۱ق: ج ۱، ص ۳۳۳).

به عقیده اکثر لغت شناسان «برزخ» چیزی است که میان دو چیز واقع می‌شود و حاجز و حائل بین آن دو شیء قرار می‌گیرد (جوهری، الصحاح، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۴۱۹). راغب





اصفهانی در این باره می‌نویسد: حد و فاصله بین دو شیء را برزخ می‌نامند. ازین جهت به فاصله بین مرگ تا قیامت را برزخ می‌گویند. او در ادامه می‌گوید: ریشه برزخ، برزه می‌باشد و لغتی غیرعربی است و به معنای حاجز و حائل می‌باشد (راغب اصفهانی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۸).

بنابراین از مجموع معانی ذکر شده از برزخ در کتب لغت، می‌توان مفهوم حائل یا همان حد وسط بین دو شیء را استنباط کرد که بر عالم برزخ منطبق است و حد واسط بین دنیا و آخرت واقع شده و خصوصیات خاص خود را دارد.

معنای اصطلاحی برزخ

برزخ در اصطلاح فلاسفه حکمت اشراق، برجسم (اعم از جسم فلکی و عنصری) اطلاق شده است (سهروردی، مجموعه مصنفات، ۱۳۸۰ش: ج ۲، ص ۱۰۷). طبق این اصطلاح، برزخ دقیقاً معادل جرم و جسم در اصطلاح مشاء است. در اصطلاح اهل عرفان، برزخ بر عالمی که از نظر رتبه وجودی بین عالم عقل و عالم طبیعت قرار گرفته است، اطلاق می‌گردد که از آن به اسامی مختلفی نظیر «عالم مثال» و «خیال منفصل» و «برزخ نزولی» یاد می‌کنند (آشتیانی، شرح بر زاد المسافر، ۱۳۸۱ش: ص ۳۷۸).

علامه حسن زاده آملی (ره) در تعریف اصطلاحی برزخ می‌نویسد: «در اصطلاح علمی برزخ عبارت از واسطه طولی بین دو چیز است که نه این است و نه آن و هم این است و هم آن، یعنی در حد هیچ یک از آن دو نیست ولی به وجهی شبیه هر یک از آن دو است.» (حسن زاده آملی، دروس معرفت نفس، ۱۳۸۰ش: ص ۲۴۷).

برخی نیز با نگاهی جامع، عالم برزخ را به برزخ صعودی و نزولی تقسیم نموده و با استفاده از همین تقسیم، به تبیین قوس نزول و صعود پرداخته اند (صدرای شیرازی، الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، ۱۹۸۱م: ج ۹، ص ۴۶).

کلمه برزخ در اصطلاح علم کلام به عالم پس از مرگ، و بر حد فاصل بین دنیا و آخرت اطلاق شده که با نام‌هایی همچون «عالم مثال» و «عذاب القبر» نیز به کار می‌رود (بنیاد پژوهش‌های اسلامی؛ شرح المصطلحات الکلامیه، ۱۴۱۵ق: ص ۵۷) «عالم مثال، موجودی است که ماده نیست، لکن بعضی لوازم ماده همچون مقدار، شکل و عرض فعلی را

داراست» (طباطبایی، حیات پس از مرگ، ۱۳۹۲ش:ص ۲۹). فیض کاشانی نیز می‌گوید: برزخ حالتی است که بین مرگ و قیامت وجود دارد و دوره انحلال این جسم محسوس تا زمان رجعت یعنی زمان قبر است (فیض کاشانی، علم الیقین فی معرفه اصول الدین، ۱۳۹۲ش: ج ۲، ص ۸۶۹).

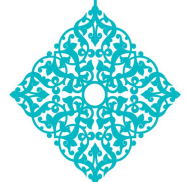
همچنین زمخشری و طبرسی آن را به «مانع بازگشت انسان به دنیا» تعریف کرده- اند (زمخشری، الکشاف عن غوامض التنزیل، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ص ۲۰۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۲۳).

علامه طباطبایی (ره) در تبیین معنای اصطلاحی برزخ چنین فرموده است: «المراد بالبرزخ عالم القبر و هو عالم المثال الذی یعیش فیهِ الانسان بعد موته الی قیام الساعه» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۶۸).

آیت‌الله مکارم شیرازی در مورد معنای اصطلاحی برزخ می‌گویند: واژه برزخ در اصل به معنای چیزی است که میان دو شیء حائل می‌شود و سپس به هر چیزی که میان دو امر قرار گیرد برزخ گفته می‌شود. به همین دلیل به عالمی که میان دنیا و عالم آخرت قرار گرفته برزخ گفته می‌شود (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۷ش: ج ۱۴، ص ۳۱۵).

به عقیده اغلب حکمای مسلمان برزخ همان عالم مثال است که مابین عالم ماده و عالم عقل قرار دارد؛ یعنی عالم برزخ از نوع مجردات است، ولی برخی از آثار مادی از قبیل کم و کیف و وضع و غیره را دارد (صدرای شیرازی، المبدأ و المعاد، ۱۳۵۴ش: ص ۳۳۸؛ داماد حسینی، القبسات، ۱۳۶۷ش: ص ۱۶۷).

فیلسوفان مکتب اشراقی و صدرایی معترف به وجود عالم مثال هستند، اما طرفداران مکتب مشاء و نیز ابن‌سینا منکر عالم مثال هستند. فلاسفه اشراقی و صدرایی عالم مثال را به متصل و منفصل تقسیم کرده‌اند: مثال متصل همان عالمی است که وابسته به نفس انسان می‌باشد و ذهن انسان در پیدایش آن تاثیر دارد، مثال منفصل عالمی است که به تعبیر فلاسفه قوه دماغی یا ادراکی انسان نقشی در پیدایش آن ندارد (سهروردی، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۸).





بسیاری از متکلمان اصطلاح برزخ را به معنای کلامی خود که همان عالم قبر یا عالم مابین دنیا و آخرت است مفروض گرفته‌اند. آنان به ویژگی‌ها، براهین اثبات و سایر مباحث عالم برزخ پرداخته‌اند (فخر رازی، معالم اصول الدین، بی تا: ص ۹۰؛ ایجی، مواقف فی علم - الکلام، بی تا: ص ۳۸۲؛ حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ۱۴۳۰ق: ص ۲۹۶). تمامی این تعاریف نشان می‌دهد که واژه برزخ به معنای مصطلح در علم کلام به همان حد فاصل بین مرگ و قیامت انصراف دارد.

برزخ در قرآن

در قرآن کریم در سه مورد واژه برزخ آمده است که دو مورد آن به معنای مرز، حاجب و حائل است که بین دو دریای آب شیرین و آب شور قرار دارد و از مخلوط شدن آن دو آب جلوگیری می‌کند. این یکی از معجزات الهی است که در قرآن نیز به آن اشاره شده است (الرحمن: ۱۹-۲۲؛ فرقان: ۳۵).

در این دو آیه واژه برزخ به وضوح به معنای حائل و حاجب آمده است ولی در آیه ۱۰۰ مؤمنون «وَمِنْ وَّرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»؛ و پیش رویشان برزخی است تا روزی که برانگیخته می‌شوند آمده است، منظور از برزخ، همان عالم برزخ و قبر است که مورد بحث ما می‌باشد.

زمخشری ذیل تفسیر این آیه می‌نویسد: روزگار حائل بین دنیا و قیامت را برزخ گویند (زمخشری، الکشاف، ج ۳، ص ۲۰۳). همچنین فخر رازی می‌نویسد: برزخ همان فاصله بین دو عالم را گویند (رازی، پیشین، ج ۲۳، ص ۱۲۲).

ویژگی‌های عالم برزخ

در این قسمت به بیان چند ویژگی از عالم برزخ اشاره می‌شود که در نظرات اکثر اندیشمندان به این ویژگی‌ها اشاره شده است:

۱- بدن برزخی

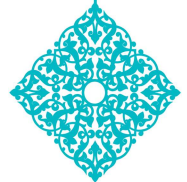
در عالم برزخ انسان‌ها دارای جسم برزخی هستند که با جسم مادی دنیوی آنها متفاوت است. بدن برزخی مثل بدن دنیایی از نوع ماده و جسم نیست، البته به طور کامل هم

غیرمادی نیست و چیزی مابین این دو است. چون بدن ما در دنیا از نوع ماده کامل است و در عالم قیامت از نوع غیر مادی کامل است. ولی در عالم برزخ حالتی بین این دو نوع می‌شود. به این مفهوم که بدن برزخی هر کدام از ما قالبی مثل جسم دنیایی ندارد، ولی بعضی خصوصیات مثل شکل و مقدار و اندازه را دارد. از این رو امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید که ارواح در عالم برزخ در صفت اجساد هستند؛ یعنی اینان جسم دارند ولی جسد ندارند، بلکه جسمی شبیه جسد دارند (کلینی، فروع کافی، ۱۳۶۷ ش: ج ۳، ص ۲۴۴؛ مجلسی، پیشین، ج ۶، ص ۲۶۹). تفاوت واژه جسد با جسم در این است که جسد به کالبد سخت انسانی در جهان مادی گفته می‌شود ولی جسم می‌تواند همانند هوا لطیف باشد. از این رو آن حضرت از جسم برزخی با عنوان (صفه الاجساد) تعبیر می‌کند.

علامه حسن زاده آملی (ره) در مورد بدن برزخی می‌فرمایند: «از تصریح آیات و روایات دانسته می‌شود که انسان در ماورای طبیعت دارای بدن است، این بدن ماورائی، بدن برزخی مثالی اوست که مجرد از طبیعت ماده و احکام آن است، نشئه بی بدن نیست و لکن بدنها در طول یکدیگرند و تفاوت ابدان به کمال و نقص است. چه اینکه برزخ و قیامت به جمیع جهات در طول نشئه دنیایی اند» (حسن زاده آملی، هزار و یک کلمه، ۱۳۷۵ ش: ج ۵، ص ۲۹۱).

آیت الله مکارم شیرازی هم در ذیل آیه ۱۰۰ مؤمنون در مورد بدن برزخی فرموده اند: «انسان بعد از پایان زندگی این جهان در اجساد لطیفی قرار می‌گیرد که از بسیاری از عوارض این ماده کثیف برکنار است و چون از هر نظر شبیه این است، به آن قالب مثالی یا بدن مثالی می‌گویند که نه به کلی مجرد است و نه مادی محض، بلکه دارای یک نوع تجرد برزخی است» (مکارم شیرازی، پیشین، ج ۱۴، ص ۳۴۵).

برخی همچون ملاصدرا (ره) از فلاسفه حکمت متعالیه بدن اخروی را به منزله سایه و پرتوی از نفس می‌دانند و معتقدند: نفس پس از مفارقت از بدن مادی و دنیوی همیشه در فکر بدن دنیوی خویش است؛ به این دلیل که قوه خیال بعد از مرگ به همان صورت مجرد خود باقی می‌ماند و به محضی که خیال بدن خود را کرد، بدنی مانند بدن مادی از نفس خارج می‌شود و نفس با چنین بدنی در برزخ خواهد ماند تا قیامت و با همین بدن





پاداش و کیفر خواهد شد (صدرای شیرازی، الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، ج ۸، ص ۲۱۴؛ رفیعی قزوینی، مجموعه رسائل و مقالات فلسفی، ۱۳۸۶ش: ج ۲، ص ۸۳).

۲- شباهت به عالم رؤیا

در برخی آیات، حالت پس از مرگ به حالت خواب رفتن انسانها تشبیه شده است. مانند آنچه که در آیه ۴۲ سوره زمر آمده است: «اللَّهُ يَتَوَفَّى النَّفْسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». برخی روایات نیز خواب را برادر مرگ تعبیر کرده اند (متقی هندی، پیشین، ح ۳۹۳۲۱) برخی نیز گفته‌اند: بعید نیست روح انسان به هنگام خواب به جسم مثالی بازگردد، زیرا در روایات، برزخ به حالت خواب تشبیه شده است (مجلسی، پیشین، ج ۶، ص ۲۷۱).

۳- آگاهی و درک انسان در برزخ

در متون دینی آمده است که با مرگ نه تنها وسعت دید و آگاهی انسان کاهش نمی‌یابد، بلکه افزایش نیز می‌یابد، پیامبر (صلوات الله علیه) می‌فرماید: «النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا» (مجلسی، پیشین، ج ۴، ص ۴۳، ح ۱۸؛ سیوطی، الدرر المنتثرة فی الأحادیث المشتهرة، بی تا، ص ۱۹۷). منظور این حدیث آن است که مردم در دنیا در حال غفلت به سر می‌برند و درک و فهم انسان از دریافت حقیقت هستی قاصر می‌باشد ولی همینکه مردند می‌بینند که از آنچه در دنیا کسب کرده‌اند، چیزی با خود ندارند.

استاد مطهری (ره) این جمله را به دو گونه تفسیر کرده است: اول اینکه منظور این است که در دنیا اموری وجود دارند که انسان از آنها بی‌خبر است ولی همینکه از دنیا رفت، متوجه آن امور می‌شود و کنایه از آگاهی بعد از غفلت است. معنای دوم که بیشتر مورد تاکید استاد است اینکه درجه حیات بعد از مردن کامل‌تر می‌شود. همان‌طور که انسان در حال خواب از درک و احساس ضعیفتری برخوردار است و حالتی نیمه زنده و نیمه مرده دارد و هنگام بیداری درک و احساس او کامل‌تر می‌شود. حالت حیات انسان در دنیا نسبت به حیات برزخی هم همینگونه است و با انتقال انسان به عالم برزخ این بیداری و هوشیاری کامل‌تر می‌شود (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۹۰ش: ج ۲، ص ۵۱۸).

۴- بهشت و جهنم برزخی

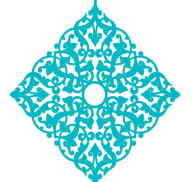
هنگامی که روح انسان از بدن به سمت عالم بالا صعود می‌کند، وارد بهشت یا جهنم برزخی خود می‌شود که خفیف‌تر و ضعیف‌تر از بهشت و جهنم قیامت است. آیات و روایات زیادی در این باره وجود دارد، که به وضوح حاکی از این است که برزخیان در عالم برزخ از نعمت و عذاب الهی برخوردار خواهند شد.

در برزخ، هر کس به واسطه اعمالی که در دنیا انجام داده یا وارد بهشت برزخی می‌شود یا جهنم برزخی. آیه ۳۲ سوره نحل درباره بهشت برزخی است که ملائکه وقتی روح مومنان را قبض می‌کنند، به آنها می‌گویند: « به آنان می‌گویند: سلام بر شما، [اکنون] به پادشاه آنچه همواره انجام میدادید، به بهشت درآید». همچنین، در سوره آل عمران اشاره شده که شهیدان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند (آل عمران: ۱۶۹-۱۷۰). به عقیده اندیشمندان شیعی، این آیات نشان‌دهنده این حقیقت است که افراد مؤمن و شهدا پس از مرگ و پیش از قیامت، زنده‌اند و در بهشت برزخی حضور دارند و از نعمت‌های الهی متنعم می‌شوند (طبرسی، پیشین، ج ۱، ص ۴۳۳).

آیه ۹۷ سوره نساء هم درباره جهنم برزخی آمده که وقتی ملائکه روح اشقیار را می‌گیرند، به آنها می‌گویند: جایگاهتان دوزخ است. به باور محققان این مکالمه به معنای این است که افراد ظالم و ستمگر هم پس از مرگ و پیش از قیامت، زنده هستند ولی در جهنم برزخی وارد می‌شوند و به تناسب ستم‌ها و گناهان خود عذاب می‌شوند.

در سوره غافر هم به عذاب آل فرعون اشاره شده که پس از مرگ، خداوند عذاب ایشان را طی دو مرحله اجرایی می‌کند: یک مرتبه پیش از قیامت و یک مرتبه پس از قیامت (سوره غافر: ۴۵-۴۶). که دلالت بر این دارد که اشقیاء بعد از مردن و قبل از قیامت، حیاتی در جهنم برزخی خواهند داشت. در روایات نیز بارها به بهشت و جهنم برزخی تأکید شده است (دیلمی، ارشادالقلوب، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۷۵؛ مجلسی، پیشین، ج ۶۱، ص ۹۰).

بنابراین از آیات و روایات فوق‌الذکر چنین فهمیده می‌شود که انسان پس از مرگ، وارد بهشت و جهنم برزخی خود می‌شود که به واسطه اعمال دنیوی خود آنجا را مهیا ساخته





است و این غیر از بهشت و جهنم دائمی در جهان آخرت است. پس از سپری شدن عالم برزخ و دمیده شدن در صور، قیامت کبری برپا می‌شود و با حسابرسی هر انسانی به سزای عمل خود می‌رسد، بعد از آن است که انسان به بهشت و یا جهنم قیامتی وارد شده و برای همیشه در آنجا می‌ماند.

۵- تکامل برزخی

حیات برزخی و چگونگی تکامل در آن از مسائل پیچیده‌ای است که ذهن اندیشمندان اسلامی را به خود مشغول ساخته است. همانطور که می‌دانیم اصل آفرینش یک گام تکاملی محسوب می‌شود اما سؤالی مهمی که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا برای روح انسان پس از مرگ و ورود در عالم برزخ، تکامل و ترقی و یا تنزل و انحطاط امکان دارد؟ هرچند که دنیا فرصتی برای انجام اعمال صالح است، اما رشد معنوی و تکامل در این مرحله به اتمام نمی‌رسد و عالم برزخ فرصتی را برای انسان‌های مؤمن فراهم می‌کند تا هر کسی به نسبت ایمان و اعمال صالحی که در این دنیا انجام داده، رشد یافته و به درجات بالاتری برسد. در واقع با وجود اینکه در عالم برزخ امکان انجام عبادات و کارهای نیک و خیر برای انسان وجود ندارد، اما خدای متعال این فرصت را به مؤمنان می‌دهد تا در آن عالم و پیش از رسیدن قیامت مرحله به مرحله رشد کنند؛ هرچند که رشد و تکامل هر کسی به نسبت و میزان اعمال خیر و خدایسندانه او در دنیا بستگی دارد. لذا تکامل در برزخ نوعی تغییر و حرکت برای رسیدن به کمال است.

به عقیده متفکران، انسانها به واسطه آثار اعمالی که پیش از مرگ در دنیا انجام داده‌اند، امکان صعود و نزول در عالم برزخ را پیدا می‌کنند. چنانکه خداوند در آیه ۱۲ سوره یس می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ»؛ بی تردید ما مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را پیش فرستاده‌اند و [خوبی‌ها و بدی‌های] بر جا مانده از ایشان را ثبت می‌کنیم.

این گروه از متفکران یادآور شده‌اند که در برزخ، امکان انجام کارهای خوب یا بد که منجر به تکامل یا تنزل شخص شود، امکان ندارد. همانطور که امام علی (علیه السلام)

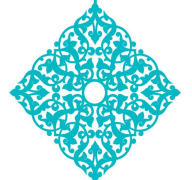
فرمودند: «امروز (قبل از مرگ)، وقت عمل است نه حسابرسی؛ و فردا (بعد از مرگ) وقت حسابرسی است، نه عمل» (مجلسی، پیشین، ج ۷۷، ص ۴۱۹).

برخی از روایات نشانگر آن است که کودکان از این قاعده مستثنی هستند و می‌توانند در عالم برزخ تکامل بیابند (مجلسی، پیشین، ج ۶، ص ۲۲۹). پیامبر گرامی اسلام (صلوات الله علیه) فرمود: در شب معراج نگاهم به پیرمردی افتاد که در زیر درختی نشسته بود و گرداگرد او کودکانی جمع شده بودند، از جبرائیل پرسیدم: این پیرمرد چه کسی است؟ جبرائیل پاسخ داد: او ابراهیم خلیل الله است. دوباره پرسیدم: این کودکانی که در اطراف او نشستند، چه کسانی هستند؟ جبرائیل پاسخ داد: ایشان اطفال مؤمنانی هستند که ابراهیم آنان را اطعام می‌کند (مجلسی، پیشین، ج ۶، ص ۲۳۰). از امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده است که فرمود: فرزندان شیعیان ما را که در سنین کوچکی و خردسالی وفات کرده‌اند و به حد رشد نرسیده‌اند، حضرت فاطمه (سلام الله علیها) تربیت می‌کند (مجلسی، پیشین، ج ۶، ص ۲۳۰).

۶- سؤال قبر

عالم برزخ، عالم حساب و کتاب ابتدایی است. از این رو، هر کسی که وارد این عالم می‌شود، می‌بایست در همان ورودی عالم برزخ یعنی در قبر پاسخگوی پرسش‌های نکیر و منکر باشد تا گذرنامه خودش را برای رفتن به یکی از دو عالم بهشت برزخی یا جهنم برزخی بگیرد. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «همین که میت دفن شد، دو ملکی به نام‌های منکر و نکیر سراغ او می‌آیند و از میت می‌پرسند: پروردگارت کیست؟ دینت چیست؟ پس میت اگر مؤمن باشد می‌گوید الله پروردگارم، اسلام دین من است، سپس می‌پرسند، راجع به مردی که از میان شما بیرون آمد چه می‌گویی؟ میت می‌گوید: پیامبر را از من می‌پرسی؟ شهادت می‌دهم که او رسول خداست» (کلینی، پیشین، ج ۳، ص ۲۳۶، ح ۷).

اینکه سوال قبر مربوطه به چه کسانی است در روایت امام صادق (علیه السلام) آمده است: «سؤال قبر مربوط به کسانی است که ایمان خالص یا کفر خالص دارند، ولی سایر مردم، سؤال قبر ندارند.» (کلینی، پیشین، ج ۳، ص ۲۳۹).





مدلول برخی روایات نشان می‌دهد که سؤال و جواب شب اول قبر برای عموم مردم است. اما برخی از علما دو دسته را از این عمومیت استثنا کردند: دسته اول افرادی هستند که به دلیل داشتن شأن و مقام والا مانند پیامبران و امامان، مورد سؤال واقع نمی‌شوند، دسته دوم کسانی هستند که شرایط سؤال کردن در آنها وجود ندارد مانند کودکان و دیوانگان. علامه مجلسی (ره) با اشاره به اینکه روایت صریحی درباره این استثنا وجود ندارد، معتقد است بهترین کار این است که در این خصوص اظهار نظر نشود (مجلسی، پیشین، ج ۶، ص ۲۷۸)

برخی از روایات نیز سؤال قبر را مختص مؤمنین خالص و کافرین خالص می‌دانند (کلینی، فروع کافی، ج ۳، ص ۲۳۵؛ تویسرکانی، لئالی الاخبار، ۱۴۱۳ق: ج ۵ ص ۳۱).

برخی هم به دلیل تناقضی که این روایات با دسته ای دیگر از روایات مربوط به عمومیت سوال قبر دارند، با جمع بین این دو گروه از روایات بر این باورند که منظور از سؤال قبر، سؤالات خاصی (بررسی دقیق اعمال) است که مختص مؤمنین محض و یا کافرین محض می‌باشد و حساب افراد عادی را به قیامت موکول می‌کنند و از ایشان فقط راجع به کلیات باورها سؤال می‌شود و از جزئیات در قبر پرسیده نمی‌شوند (محمدی اشتهاردی، عالم برزخ در چند قدمی ما، ۱۳۷۵ش: ص ۱۰۹).

۷- فشار قبر

یکی دیگر از ویژگی‌های عالم برزخ فشار قبر است. اما سوال این است که در فشار قبر آیا روح انسان تحت فشار قرار می‌گیرد یا قالب و جسم مثالی او؟ یا این که روح با همین جسد دنیوی رابطه برقرار کرده و خود را در فشار می‌بیند؛ علامه مجلسی (ره) نظر سومی را طبق روایات بیان می‌کند و می‌نویسد: «سؤال قبر و فشار قبر در جسدهای اصلی صورت می‌گیرد و این دو برای بعضی از مؤمنین برداشته می‌شود» (مجلسی، پیشین، ج ۶، ص ۲۷۰).

بنابراین آنچه به طور قطع اتفاق می‌افتد اصل وجود «فشار قبر» است اما این حقیقت نسبت به افراد مختلف از حیث طول مدت و کیفیت، شدت و ضعف خواهد داشت؛ یعنی برای برخی شدید و برای برخی دیگر کمتر است. در برخی از روایات فشار قبر به عنوان

کفاره گناهان قلمداد شده است، چنانکه پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) در هنگام دفن سعدبن معاذ فرمود: «هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه قبر فشاری دارد» (مجلسی، پیشین، ج ۲۶، ح ۱۹).

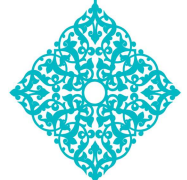
۸- عدم شفاعت در برزخ

مسأله شفاعت از مسائل محرز و پذیرفته شده قرآنی است (بقره: ۲۵۵). که به عقیده عده ای از متفکران تشیع شفاعت به معنای برداشتن کیفر از معصیت کاران در روز حشر است و در برزخ شفاعت امکان ندارد (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۶۳؛ حسینی طهرانی، معادشناسی، ۱۴۲۳ق: ج ۹، ص ۳۷۹). این دسته از اندیشمندان، تشرّف پیامبر اکرم و امامان (صلوات الله علیهم) حین احتضار و سوال قبر و تصرفات تکوینی ایشان را می پذیرند، اما آن را شفاعت نمی دانند (طباطبائی، پیشین، ج ۱، ص ۲۶۴؛ حسینی طهرانی، پیشین، ج ۹، ص ۳۸۰).

ایرادی به این نظر وارد شده که می گوید همین اندازه از تسلط تکوینی پیامبر (صلوات الله علیه) و جانشینان آن حضرت در برزخ، نمونه ای از شفاعت است و روایت امام صادق (علیه السلام) که فرمود: من تنها از برزخ بر شما می ترسم! (مجلسی، پیشین، ج ۶، ص ۲۶۷) اشاره به این مطلب دارد که مؤمنان در قیامت مشمول شفاعت پیامبر (صلوات الله علیه) و امامان معصوم هستند، ولی حساب برزخ جداست و انسان نباید به امید شفاعت، آلوده به گناه شود چون امکان دارد در برزخ، بنابه دلایلی شفاعت شامل حال او نشود (اصغری نژاد، شفاعت در برزخ، ۱۳۸۹ش: ص ۵۶).

۹- ارتباط گیری با عالم پس از مرگ

وقتی انسانی از دنیا می رود، ارتباط او با عالم دنیا به طور کامل قطع نمی شود. البته هر کسی بر اساس میزان ایمانی که در دنیا داشته و اعمال صالحی که انجام می داده، به یک نسبت با دنیا در ارتباط است. مثلاً مؤمنان ارتباط بیشتری با دنیا دارند، ولی افراد کافر این ارتباط را ندارند و یا حداقل است. هر قدر هم ایمان فرد قوی تر بوده و کارهایش در دنیا مورد رضایت خدا باشد، در آن عالم فیض و لطف بیشتری کسب می کند و می تواند از خانواده و خویشان خود خبر بگیرد.





در این باره روایات زیادی وارد شده است. از جمله در روایتی از امام علی (علیه السلام) آمده است که فرمود: «القبر اما روضه من ریاض الجنه او حفرة من حفرة النیران» (مجلسی، پیشین، ج ۶، ص ۲۱۴). وجود جنت در قبر با نیران در قبر و درک کردن این جنت و نیران، دلالت بر این دارد که کسی باید در آن عالم باشد که آن جنت و جهنم را درک کند و آنهم غیر قیامت است، چون در عالم قیامت همه یک جا جمع می‌شوند. در نتیجه انسان آنجایی که درک می‌کند، عالم برزخ است نه غیر آن. لازم به ذکر است که این حدیث را ترمذی در صحیح خود نیز از رسول خدا (صلوات الله علیه) نقل کرده است (ترمذی، سنن ترمذی، ۱۹۹۸م: ج ۴ کتاب صفات القیامه باب ۲۶ حدیث ۲۴۲) ولی علامه مجلسی (ره) در بحارالانوار یک جا از امام علی (علیه السلام) (پیشین) و یک جا از امام سجاد (علیه السلام) (ج ۶، ص ۲۱۶) نقل کرده است، منتهی اختلافی که با هم دارند این است که در تعبیر امام سجاد (علیه السلام) کلمه (ان) بر سر کلمه قبر وارد شده است ولی در تعبیر امام علی (علیه السلام) به جای کلمه (ان) کلمه (اما) دارد.

در روایت دیگری نقل است که پیامبر اسلام (صلوات الله علیه) هنگامی که اجساد کشتگان مشرکان مکه را در جنگ بدر در چاهی ریختند در کنار چاه ایستاده و این جمله ها را فرمودند: «یا أهل القلیب هل وجدتم ما وعد ربکم حقاً؟ فانی وجدت ما وعدنی ربی حقاً؟ قالوا: یا رسول الله! هل یسمعون؟ قال ما أنتم بأسمع لما أقول منهم ولكنّ الیوم لایجیبون» (المتقی الهمدی، کنز العمال، بی تا: ج ۱۰، ص ۳۷۷).

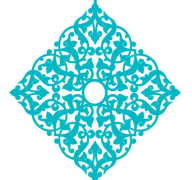
نظیر همین مضمون با تعبیرات دیگر در روایات متعدد دیگر آمده است (المتقی الهمدی، پیشین، ج ۱۰، ص ۳۷۷؛ مکارم شیرازی، پیشین، ج ۵، ص ۴۵۷ به نقل از بحارالانوار).

در نهج البلاغه از امیرالمؤمنان علی (علیه السلام) می‌خوانیم، هنگام مراجعت از جنگ صفین در کنار قبرستان که پشت دروازه کوفه بود ایستاد و با این کلمات با ارواح مردگان سخن گفت: «أنتم لنا فرط سابق و نحن لکم تبع لاحق، أما الدور فقد سکنت و أما الأزواج فقد نکحت و أما الأموال فقد قسمت، هذا خبر ما عندنا فما خبر ما عندکم؟» (نهج البلاغه، حکمت شماره ۱۳۰).

این حدیث و احادیث نظیر آن، گواہ بر این است که علاوه بر این که عالم برزخ واقعیت دارد، بر نوعی ارتباط برزخیان با این جهان دلالت دارند، بطوریکه آنقدر این ارتباط زیاد است که آنها دوست دارند که همه چیز را برای بازماندگان بازگو کنند ولی به آنها اجازه داده نمی‌شود، اگر بازماندگان اعمال نیک انجام دهند آنها در عالم برزخ خوشحال می‌شوند، و اگر اعمال بد انجام بدهند آنها ناراحت شده و غصه می‌خورند که ای کاش آنها توجه کنند و برگردند. در نتیجه نه تنها عالم برزخ با این احادیث ثابت می‌شود، بلکه جایگاه آنها و دلسوزی آنها نسبت به انسانهایی که بازماندگان آنها می‌باشند هم مشخص می‌شود.

۱۰- تجسم اعمال در برزخ

تجسم اعمال به این معنا است که اعمال نیک دنیایی انسان در رستاخیز تغییر ماهیت داده، به صورت نعمت های بهشتی درمی‌آیند، همانطور که اعمال بد انسان به شکل آتش و زنجیر و انواع عذاب تغییر صورت خواهند داد. بعضی از روایات نشانگر آن است که اعمال هر انسانی از لحظات ابتدائی مرگ و ورود به عالم برزخ تمثیل و تجسم می‌یابد و متوفی با چشم برزخی نظاره گر آنهاست و تا روز قیامت همراه او خواهد بود. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: وقتی شخص با ایمان را در قبرش می‌گذارند دری از بهشت به روی او باز می‌شود و عالم برزخ گشایش پیدا میکند و جلوه ای از بهشت قیامت به او می‌دهند. در این هنگام مردی با چهره زیبا نزد فرد مومن حاضر می‌شود. میت از او می‌پرسد تو کیستی؟ پاسخ می‌دهد من نیت خوب تو هستم که در دنیا بر آن بودی و عمل خوب تو هستم که در دنیا انجام دادی. اما وقتی شخص کافر را در قبرش گذاشتند دری از جهنم به رویش باز می‌شود و جایگاه خود را در آتش می‌بیند. پس از آن مردی با سیمای زشتی بیرون می‌آید شخص کافر از او می‌پرسد تو کیستی؟ پاسخ می‌دهد من عمل بد تو هستم که در دنیا انجام می‌دادی و نیت ناپاک تو هستم که در دل داشتی (مجلسی، مرآة العقول، بی تا: ج ۹ ص ۹۵).



دیدگاه اندیشمندان مسلمان درباره ماهیت عالم برزخ

الف) دیدگاه اندیشمندان متقدم

عبارات متقدمین در این باره کمی متفاوت است ولی اغلب آنها در مورد ماهیت عالم برزخ اتفاق نظر دارند که به بعضی از آنها اشاره می شود:

ابن سینا که معتقد به عالم برزخ صعودی می باشد، در مورد ماهیت آن می گویند: «برزخ همان قبری که نفس و بدن در آن مدفون می شود و اگر شخص باایمان باشد خداوند دری از بهشت و اگر بی دین و بی ایمان باشد دری از جهنم بسوی قبر او می گشاید انسان در عالم برزخ در حالت بیداری به سر می برد و علم و عمل و خیر و شری که در دنیا داشته و نیز لذات و عذابهایی آن را درک می کند. در حقیقت انسان در عالم برزخ مانند نطفه در رحم مادر و یا همچون دانه ای است که در زمین کاشته شده و براساس ریشه‌هایی که در او ایجاد شده است، رشد کرده و سود می دهد. نازل ترین مرتبه نشئه برزخ، عالی ترین مرتبه نشئه دنیا است (ابوعلی سینا، مسائل آخری لابن سینا، ۱۳۱۳ق:ص ۱۷-۱۸).

فاضل مقداد بر این عقیده است: عالم برزخ حالتی بین مرگ و برانگیخته شدن است و آن مدت مفارقت روح از کالبد محسوس مادی است (حلی سیوری، اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه، ۱۴۲۲ق:ص ۵۴۶).

فیاض لاهیجی می نویسد: عالم برزخ و عالم مثال، عالمی است حدواسط بین دو عالم، چون مجرد از ماده است متناسب با عالم مجردات است و چون آمیخته به مقدار و شکل است متناسب با عالم مادیات است» (فیاض لاهیجی، گوهر مراد، ۱۳۷۷ش:ص ۶۰۲).

فیض کاشانی نیز در این مورد می فرماید: «برزخ حالتی است که بین مرگ و قیامت وجود دارد و دوره انحلال جسم عنصری تا زمان رجعت به معنای زمان قبر است و در این مدت روح در بدن خیالی و ایده آل خود قرار دارد که در آن زمان. فرد خود را در دنیا می بیند» (فیض کاشانی، انوارالحکمه، ۱۴۲۵ق:ص ۲۹۱).

محقق سبزواری عالم برزخ را عالمی بین دو عالم می داند؛ چونکه عوالم را در تقسیمات اولیه سه قسم می داند: عالم عقل و عالم مثال و عالم طبع؛ عالم عقل ذاتاً مجرد از ماده و مقدار است، عالم مثال تعلق به ماده ندارد، ولی مقداری از آثار ماده را دارا است و عالم

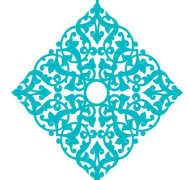


طبع، نزدیک به هر دوی آنها یعنی هم دارای ماده و هم دارای مقدار می‌باشد (سبزواری، اسرارالحکم، ۱۳۸۳ش:ص ۴۰۹).

ب) دیدگاه اندیشمندان معاصر

امام خمینی (ره) در بیان حقیقت عالم برزخ معتقد است برزخ عالمی است که حد وسط عالم طبیعت و عالم قیامت است (خمینی، شرح چهل حدیث، ۱۳۸۸ش:ص ۴۶۱-۴۶۰). عالم برزخ بنفسه موجود است، اما نسبت به موجود طبیعی که در ارتقای وجودی خود به مرتبه تجرد برزخی نرسیده است، فعلیت ندارد، از این رو برزخ بهشتی و جهنمی به واسطه اعمال انسان ایجاد می‌شود. امام خمینی (ره) عالم برزخ را به دو قسم نزولی و صعودی تقسیم می‌کند که در قوس نزول به آن عالم مثال و در قوس صعود به آن برزخ می‌گوید (خمینی، تقریرات فلسفه، ۱۳۸۵ش: ج ۳، ص ۵۱۹-۵۲۰).

از منظر امام خمینی (ره) حیات برزخی وجه علوی این عالم مادی است و حقیقت عالم برزخ با عالم ماده از نظر صورت تفاوتی ندارد و برزخ تمام حیثیات وجودی مرتبه پایین و طبیعت را به نحو اتم دارا می‌باشد. به اعتقاد امام خمینی (ره) هم‌اکنون که انسان در عالم طبیعت است، در عالم برزخ نیز هست، پس انسان دو نشئه دارد: طبیعی و برزخی. البته الآن انسان که در عالم طبیعت است، نیمه برزخی است و با موت و استقلال نفس و تمام شدن عالم طبیعت، برزخ او کامل می‌شود (خمینی، پیشین، ج ۳، ص ۳۸۵-۳۸۷). و تا هنگامی که انسان در عالم برزخ است، با عالم دنیا ارتباط دارد و به طور کلی نفس ارتباطش را با بدن قطع نکرده است، لذا برزخ، بقای انس به عالم دنیا است با تمام شدن انس به دنیا قیامت کبری آغاز می‌شود (خمینی، پیشین، ج ۳، ص ۶۰۰). بر این اساس میزان در طولانی شدن مدت برزخ برای اشخاص تعلقات آنان به دنیا است و این تعلقات هرچه کمتر باشد توقف انسان در برزخ کمتر و قبر او روشن تر و وسیع تر می‌شود (خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۱۲۴؛ همو، آداب الصلاة، ۱۳۸۸ش: ص ۳۶). انسان با حرکت جوهری به تدریج طبیعت و عالم ماده را رها می‌کند و باطن ذاتش اندک اندک برزخی می‌شود (خمینی، تقریرات فلسفه، ج ۳، ص ۴۰۷). و اصل هویت و شخصیت از نقص رو به کمال و تجرد برزخی می‌رود. امام خمینی (ره) معتقد است نفس بعد از مفارقت از بدن، در قالب مثال





خواهد بود و این بدن مثالی در باطن خود انسان هم‌اکنون نیز هست (خمینی، پیشین، ج ۳، ص ۳۶۴).

به عقیده شهید مطهری (ره) آیات ۹۹-۱۰۰ سوره مومنون تنها آیاتی هستند که به عالم برزخ اشاره فرموده و فاصله میان مرگ و قیامت را «برزخ» خوانده است (مطهری، پیشین، ج ۲، ص ۵۱۵).

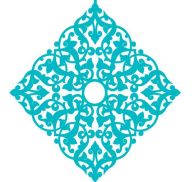
«انسان در فاصله مرگ تا قیامت از نوعی حیات برخوردار است و در آن حال شدیداً احساس می‌کند، گفتم و شنود دارد، لذت و رنج و سرور و اندوه دارد و بالأخره از نوعی زندگانی سعادت آمیز [یا شقاوت آلود] برخوردار است» (مطهری، پیشین، ج ۲، ص ۵۱۵)، البته لذت و رنجش بستگی به افکار و اخلاق و اعمالش در دنیا دارد. این مرحله ادامه دارد تا آنگاه که قیامت کبری برپا شود. در آن هنگام در اثر یک سلسله انقلابها و دگرگونیهای بی‌ظنیر که در آن واحد جهان را فرا می‌گیرد و از دورترین ستارگان گرفته تا زمین ما همه مشمول آن دگرگونی می‌شوند، این مرحله یا این عالم که برای هر کسی یک فاصله و حدّ وسط میان دنیا و قیامت می‌شود، پایان می‌پذیرد» (مطهری، پیشین، ج ۲، ص ۵۱۴). این نکته را باید بدانیم که آنچه پس از مرگ برای اهل سعادت آماده شده، بهشتها است نه بهشت، یعنی انواع بهشتها است. بهشتها در آخرت به حسب مقامات قرب الهی متفاوت اند. بعلاوه همان طور که در اخبار و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) رسیده است بعضی از این بهشتها مربوط به عالم برزخ است نه عالم قیامت (مطهری، پیشین، ج ۲، ص ۵۱۶). علامه طباطبایی (ره) درباره عالم برزخ بیان می‌دارد: «اسلام معتقد است که انسان پس از مرگ ظاهری به طرز خاصی زنده است، اگر نیکوکار است از نعمت و سعادت برخوردار و اگر بدکار است معذب خواهد بود و هنگامی که قیامت برپا شود، برای حساب عمومی حاضر می‌شود. عالمی که انسان پس از مرگ تا روز قیامت در آن هست، «برزخ» نامیده می‌شود» (طباطبائی، پیشین، ج ۱ ص ۱۱۲).

به نظر علامه حسن زاده آملی (ره) «انسان نیز همانند جهان دارای مراتب و عوالمی از وجود است که در نظر برخی این مراتب وجودی، مطابق با عالم هستی شناخته شده که از آن به «تطابق کونین» تعبیر کرده‌اند؛ یعنی نظام کیهانی، متشکل از عالم ارواح و عقول،

عالم مثال منفصل و عالم شهادت مطلقه است. در نظام انسانی هم، عالم عقل، عالم مثال متصل و عالم شهادت مطلقه بدن وجود دارد» (حسن‌زاده‌آملی، شرح فارسی بر الاسفار الاربعه، ۱۳۸۷ش: ج ۳، ص ۲۹۷؛ همو، دروس شرح بر فصوص الحکم قیصری، ۱۳۹۸ش: ج ۳، ص ۶۸۳). از طرف دیگر، بر مبنای دیدگاه عرفانی، نظام وجود به شکل مدور ترسیم می‌شود که متشکل از دو قوس نزولی و صعودی است و همانطور که هستی در قوس نزولی خود از عالم عقول به سمت برزخ منفصل و پس از آن به عالم ماده رو کرده است، انسان نیز در عالم برزخ از مرتبه مادی عبور کرده و در سیر عوالم خود به عالم مثال متصل (برزخ صعودی) و عالم عقول راه می‌یابد (حسن‌زاده‌آملی، گنجینه‌گوهر روان، بی‌تا: ج ۱، صص ۱۱۷-۱۱۸). همچنین از آنجا که عالم آخرت متکامل‌ترین نظام امکانی محسوب می‌شود، هر کس به میزان گستره وجودی خاص خود می‌تواند هر چه را که اراده اش به آن تعلق گرفته، به اذن الله و بی وقفه انشا کند (حسن‌زاده‌آملی، انسان در عرف عرفان، ۱۳۷۷ش: ص ۵۸).

استاد حسن‌زاده‌آملی (ره)، از خصوصیت‌های انسان را تعالی دادن نفس و بدن می‌داند که می‌تواند با حفظ مراتب قبل، آنها را رشد داده و به عالم مجردات عزیمت کند و فاصله میان خود و خدایش را تا «قاب قوسین أو أدنی» برساند؛ همان طور که نفس قدسی حضرت پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) و حضرت علی (علیه السلام) به مقام «أو أدنی» نائل گردیدند (حسن‌زاده‌آملی، شرح فارسی بر الاسفار الاربعه، ج ۳، ص ۲۶۸؛ فیض کاشانی، پیشین، ج ۱، ص ۲۶۰).

از این جهت عده‌ای از فلاسفه مسلمان میان برزخ صعودی (عالم مثال متصل) و برزخ نزولی (عالم مثال منفصل) اختلافات زیادی قائل شده‌اند؛ از جمله اینکه صورت‌های موجود در عالم مثال متصل، افعال انسان هستند که نشأت گرفته از اعمال، اخلاق و نیت‌های انسانها هستند و در این عالم پاداش، جزا، بهشت، جهنم و تکامل راه دارد (حسن‌زاده‌آملی، اتحاد عاقل به معقول، ۱۳۹۰ش: ص ۱۰۹؛ همو، عیون مسائل نفس و سرخ عیون در شرح، ۱۳۸۰ش: ج ۱، ص ۵۳۰). در برزخ صعودی دیدار ارواح و ملاقات و احوالپرسی آنها





با یکدیگر هم صورت می‌گیرد که وجود کثرت در آن می‌تواند پذیرفتنی باشد (حسن زاده آملی، پیشین، ج ۳، ص ۶۸۴).

به باور آیت الله جوادی آملی «قبر همان برزخ است؛ البته نه همین موجودی که در عالم طبیعت است، اصولاً قبر به اصطلاح دین همان برزخ است و اما این قبر مصطلح یک آثار فقهی دارد که انسان چگونه او را رو به قبله دفن کند، چگونه تلقین بکند و مانند آن و گرنه از نظر بحثهای کلامی (القبر هو البرزخ). همین که انسان وارد قبر می‌شود یعنی وارد برزخ می‌شود. عالم دنیاست و برزخ و قیامت، دیگر عالم قبر در برابر عالم برزخ نیست. انسان مستقیماً از دنیا وارد عالم برزخ می‌شود» (جلسه درس اخلاق مورخه ۱۳۹۸/۰۳/۱۱). طبق فرمایش مرحوم مصباح (ره) «از آیات قرآن، استفاده می‌شود که انسان، بعد از مرگ و پیش از برپایی قیامت، دورانی را در عالم قبر و برزخ می‌گذراند و کمابیش شادی و لذت، یا اندوه و رنجی خواهد داشت. و در بسیاری از روایات آمده است که مؤمنان گهنگار، در این دوران، در اثر پاره‌ای رنجها و عذابها که متناسب با گناهشان می‌کشند تطهیر می‌شوند تا در عالم قیامت، سبک بار باشند» (مصباح یزدی، آموزش عقاید، ۱۳۷۷ش: ص ۴۰۷).

آیت الله سبحانی ماهیت برزخ و بدن برزخی و عذاب و نعمتهای آنجا را به عالم خواب و رؤیا تشبیه می‌کنند که به گونه ای لذات یا نعمتها را موقع خواب درک می‌کند. می‌فرماید: «هر گاه این کارها را با زندگی عنصری و مادی، بسنجیم فاقد حقیقت خواهد بود، ولی اگر از نسبت گیری و مقایسه صرف نظر کنیم باید گفت این کارها در ظرف رؤیا برای خود حقیقتی دارد؛ زیرا خوشیها، آرامشها و آلام و دردهای رؤیایی برای خود خالی از یک نوع واقعیت نیست و چه بسا حالات انسان در رؤیا روی بدن عنصری نیز اثر می‌گذارد. حال اگر چنین زندگی رؤیایی واقعیت بیشتر و حقیقتی روشنتر پیدا کند، باید نام آن را زندگی برزخی و مثالی نهاد. در آنجا ماده و عنصر یا مولکول و اتم وجود ندارد، ولی صور تمام موجودات جهان بی‌آنکه ماده و وزنی در کار باشد، موجود است؛ مثلاً در عالم تصور، جهان و تمام اشیا را می‌توانیم تصور کنیم و همه آنها را پیش خود حاضر می‌بینیم و واقعاً صورتی از آسمان و زمین و از دوست و رفیق را در خود مشاهده

می‌نماییم. حالا اگر آنچه را در جهان رؤیا و در عالم تصور از خود مشاهده می‌کنیم با واقعیتی بیشتر و حقیقتی روشن تر تجلی‌کند، باید نام آن را زندگی برزخی بگذاریم» (سبحانی تبریزی، معاد انسان و جهان، ۱۳۵۸ش:ص ۱۹۹).

نتیجه‌گیری

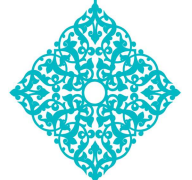
از دیدگاه آیات و روایات و همچنین نظرات اندیشمندان اسلامی، جهان هستی دارای عوالم متعدد و متنوعی است. هر یک از عوالم با عالم دیگر تفاوت بسیاری دارد که در نوع خود بی‌نظیر است، هر چند که برخی مشترکات نیز داشته باشد ولی تفاوت‌ها آنچنان زیاد است که نمی‌توان آنها را شبیه هم دانست. از جمله عوالم هستی که در آیات قرآن به آن اشاره شده، عالم برزخ است.

برزخ معنای حایل شدن بین دو چیز است که میان دو چیز واقع شده و حاجز و حائل بین آن دو شیء قرار می‌گیرد. در اصطلاح اهل معرفت، عالم برزخ بر عالمی که از نظر رتبه وجودی بین عالم عقل و عالم طبیعت قرار گرفته است، اطلاق می‌گردد که از آن به اسامی مختلفی همچون «عالم مثال» و «خیال منفصل» و «برزخ نزولی» یاد می‌کنند. در علم کلام عالم برزخ به معنای عالم پس از مرگ، و بر حد فاصل بین دنیای مادی و دنیای آخرت اطلاق شده است.

در قرآن کریم سه مرتبه واژه برزخ آمده است که دو مرتبه آن به معنای مرز، مانع و حائل است و فقط در یک مرتبه منظور همان عالم برزخ است که در آیه «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» به آن اشاره شده است.

از ویژگی‌های عالم برزخ می‌توان به بدن برزخی اشخاص؛ شباهت داشتن به عالم رؤیا؛ بهشت و جهنم برزخی؛ تکامل برزخی؛ سؤال قبر؛ فشار قبر؛ عدم شفاعت در برزخ؛ ارتباط گیری با عالم پس از مرگ؛ آگاهی و درک انسان در برزخ و تجسم اعمال اشاره کرد.

از نگاه اندیشمندان مسلمان، عالم برزخ عالمی است ما بین دنیا و روز قیامت که هر انسانی بعد از وفات از این دنیا وارد آن می‌شود و با توجه به اعمال نیک و بدی که در این دنیا انجام داده در برزخ جزا داده می‌شود. به باور ایشان برزخ همان قبر است و همین که





انسان وارد قبر می‌شود یعنی وارد برزخ می‌شود. و از آنجا و از مرتبه مادی بودن عبور کرده و در سیر عوالم خود به عالم مثال متصل (برزخ صعودی) و عالم عقول راه می‌یابد. تا هنگامی که انسان در عالم برزخ است، با عالم دنیا ارتباط دارد و به طور کلی نفس ارتباطش را با بدن قطع نکرده است. دیدار ارواح و ملاقات و احوالپرسی آنها با یکدیگر هم فقط در برزخ صعودی صورت می‌پذیرد.

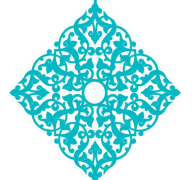
فهرست منابع

* قرآن کریم.

** نهج البلاغه.

- کتاب‌ها

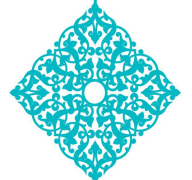
۱. جوادى آملی، عبدالله، «تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ توحید در قرآن»، تنظیم حیدرعلی ابوی، نشر اسراء، قم، ۱۳۹۷.
۲. جوادى آملی، عبدالله؛ «حیات حقیقی انسان در قرآن»، نشر اسراء، قم، ۱۳۹۸.
۳. جوادى آملی، عبدالله؛ «هدایت در قرآن»، نشر اسراء، قم، ۱۳۹۷.
۴. جوادى آملی، عبدالله؛ «معاد در قرآن»، تنظیم حجت الاسلام علی زمانی قمشه ای، نشر اسراء، قم، ۱۳۹۷.
۵. جوادى آملی، عبدالله؛ «تفسیر تسنیم»، تحقیق محمدحسین الهی زاده، نشر اسراء، قم، ۱۳۹۷.
۶. جوادى آملی، عبدالله؛ «صورت و سیرت انسان در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)»، تنظیم و ویرایش غلامعلی امین دین، نشر اسراء، قم، ۱۳۷۹.
۷. حسن زاده آملی، حسن، «اتحاد عاقل به معقول»، چ ۳، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰.
۸. حسن زاده آملی، حسن، «انسان در عرف عرفان»، سروش، تهران، ۱۳۷۷.
۹. حسن زاده آملی، حسن، «دروس معرفت نفس»، قیام، قم، ۱۳۸۰.
۱۰. حسن زاده آملی، حسن، «گنجینه گوهر روان»، نشر طوبی، تهران، بی تا.
۱۱. حسن زاده آملی، حسن، «هزار و یک کلمه»، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۵.
۱۲. حسن زاده آملی، حسن، «عیون مسائل نفس و سرح عیون در شرح»، ترجمه محمدحسین نائیجی، قیام، قم، ۱۳۸۰.
۱۳. حسن زاده آملی، حسن، «شرح فارسی بر الاسفار الاربعه»، ج ۳، چ ۱، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷ش
۱۴. حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین، «معادشناسی»، انتشارات حکمت، تهران،





۱۵. خمینی، سید روح الله، «آداب الصلاة»، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۸۸ش
۱۶. خمینی، سید روح الله، «تقریرات فلسفه امام خمینی (ره)»، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۸۵ش
۱۷. خمینی، سید روح الله، «شرح چهل حدیث»، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۸۸ش
۱۸. رفیعی قزوینی، علامه سید ابوالحسن، «مجموعه رسائل و مقالات فلسفی»، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۸۶ش
۱۹. سبحانی تبریزی، جعفر، «معاد انسان و جهان»، صدر، بی جا، ۱۳۵۸ش
۲۰. طباطبائی، سید محمد حسین، «انسان از آغاز تا انجام»، ترجمه صادق لاریجانی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷ش
۲۱. طباطبائی، سید محمد حسین، «حیات پس از مرگ»، ترجمه صادق لاریجانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۹۲ش
۲۲. قرشی، سید علی اکبر، «قاموس قرآن»، ج ۶، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش
۲۳. محمدی اشتهاردی، محمد، «عالم برزخ در چند قدمی ما»، نبوی، قم، ۱۳۷۵ش
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی، «سجاده های سلوک (شرح مناجات های امام سجاد علیه السلام)»، تدوین و نگارش کریم سبحانی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، بی تا
۲۵. مصباح یزدی، محمد تقی، «شرح اسفار»، مؤسسه در راه حق، قم، ۱۳۷۴ش
۲۶. مصباح یزدی، محمد تقی، «به سوی او»، تحقیق محمد مهدی نادری، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۲ش
۲۷. مصباح یزدی، محمد تقی «معارف قرآن؛ (خداشناسی، جهان شناسی، انسان شناسی)»، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۴ش
۲۸. مصباح یزدی، محمد تقی، «آموزش عقاید»، ج ۱، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تابستان ۱۳۷۷ش

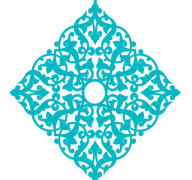
۲۹. مطهری، مرتضی، «مجموعه آثار»، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۹۰ش
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاری جمعی از نویسندگان، «تفسیر نمونه»، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۷ش
۳۱. آشتیانی، سید جلال الدین، «شرح بر زاد المسافر»، بوستان کتاب، قم، چ ۱، ۱۳۸۱ش
۳۲. آلوسی، محمود ابن عبدالله، «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی»، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق
۳۳. ابن منظور، محمد ابن مکرم، «لسان العرب»، چ ۳، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق
۳۴. ابوعلی سینا، «رسائل أخرى لابن سینا»، بی نا، تهران، ۱۳۱۳ق
۳۵. احمد بن فارس ابن زکریا، «معجم مقاییس اللغة»، چ ۱، مکتب الإعلام الإسلامی، قم، ۱۴۰۱ق
۳۶. افندی آلوسی، سید محمود شهاب الدین، «تفسیر آلوسی»، بی نا، بی جا، ۱۴۱۸ق
۳۷. ایجی، عبدالرحمان ابن احمد، «مواقف فی علم الکلام»، چ ۱، عالم الکتب، بیروت، بی تا
۳۸. بنیاد پژوهش های اسلامی؛ گروه کلام، «شرح المصطلحات الکلامیه»، آستانه الرضویه المقدسه، مجمع البحوث الإسلامیه، مشهد مقدس، ۱۴۱۵ق.
۳۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر بن محمد، «انوار التنزیل (تفسیر بیضاوی)»، چ ۱، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۴۰. ترمذی، محمد بن عیسی، «سنن ترمذی»، دار الغرب الإسلامی، بیروت، ۱۹۹۸ م.
۴۱. تویسرکانی، محمد نبی ابن احمد، «ثالی الاخبار»، العلامه، قم، ۱۴۱۳ق.
۴۲. جوهری، اسماعیل ابن حماد، «الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیه)»، محقق و مصحح احمد عبد الغفور عطار، چ ۱، انتشارات دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۱۰هـق/۱۹۸۷م.
۴۳. حسن زاده آملی، حسن، «دروس شرح بر فصوص الحکم قیصری»، ناشر روح و ریحان، بی جا، ۱۳۹۸.





۴۴. حلی، حسن ابن یوسف، «کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد»، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، قم، ۱۴۳۰ق.
۴۵. داماد حسینی، میرمحمدباقر، «القبسات»، به اهتمام مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۷.
۴۶. دیلمی، حسن بن محمد، «ارشاد القلوب»، ناشر رضی، بی جا، ۱۴۱۲ق.
۴۷. رازی، فخرالدین، «معالم اصول الدین»، دار الكتاب العربی، بیروت، بی تا.
۴۸. راغب اصفهانی، حسن ابن محمد، «مفردات الالفاظ القرآن»؛ تحقیق صفوان عدنان داوودی، بی نا، بی جا، بی تا.
۴۹. زمخشری، محمود ابن عمر، «الكشاف عن غوامض التنزیل»، انتشارات دارالكتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۵۰. سبزواری، هادی، «اسرارالحکم»، باتصحیح کریم فیضی، چ ۱، مطبوعات دینی، قم، ۱۳۸۳.
۵۱. سهروردی، شهاب الدین، «مجموعه مصنفات»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بی جا، ۱۳۸۰.
۵۲. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، «الدرر المنتثره فی الأحادیث المشتهره»، عماده شئون مکتبات، ریاض، بی تا.
۵۳. صدرای شیرازی، محمدبن ابراهیم، «الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه»، چ ۳، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۱م.
۵۴. صدرای شیرازی، محمدبن ابراهیم، «المبدأ و المعاد»، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، چ ۱، انجمن حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۵۴ش.
۵۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، «المیزان فی تفسیر القرآن»، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۴.
۵۶. طبرسی، فضل ابن حسن، «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، مقدمه محمد جواد بلاغی، چ ۳، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.
۵۷. طریحی، فخرالدین ابن محمد، «مجمع البحرین»، انتشارات مرتضوی، بی جا، بی تا.

٥٨. فخر رآزی، محمد بن عمر، «آآفسير الكبير»، انتشارات دار إحياء التراث العربي، بيروت، ١٤٢٠هـ/ق/١٩٩٩م.
٥٩. فراهيدي، خليل ابن احمد، «كتاب العين»، آآقيق مهدي محزومي و ابراهيم سامرايي، مؤسسه دار الهجره، بي جا، ١٤٠٩ق.
٦٠. فيض كاشاني، محمد ابن شاه مرتضي، «علم اليقين في اصول الدين»، نشر بيدار، قم، ١٣٩٢.
٦١. فيض كاشاني، محمد ابن شاه مرتضي، «انوار الحكمه»، با تعليقه محسن بيدارفر، چ ١، نشر بيدار، قم، ١٤٢٥ق.
٦٢. فياض لاهيجي، عبدالرزاق، «گوهر مراد»، با مقدمه زين العابدين قرباني، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، تهران، ١٣٧٧.
٦٣. فيومي، مقرئ، احمد بن محمد، «مصباح المنير»، انتشارات دار المعارف، قاهره، ١٩٧٧م.
٦٤. كليني، محمد ابن يعقوب، «الفروع من الكافي»، تصحيح و تعليق على أكبر الغفاري، دار الكتب الإسلامية، تهران، ١٣٦٧.
٦٥. المتقي الهندي، علاء الدين المتقي بن حسام الدين، «كنز العمال»، دارالفكر، بيروت، بي تا.
٦٦. مجلسي محمدباقر، «مرآة العقول»، دار الكتب الإسلامية، تهران، بي تا.
٦٧. مجلسي محمدباقر، «بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأطهار»، انتشارات مكتبة الإسلامية، تهران، ١٣٨٤.
٦٨. مصطفوي، حسن، «آآقيق في كلمات القرآن الكريم»، چ ١، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، تهران، ١٤٣٠ق.
٦٩. مجموعه من المؤلفين، معجم الوسيط، بي نا، بي جا، بي تا.
- مقالات





۱. اصغری نژاد، محمد، «شفاعت در برزخ»، فصلنامه حسنا(فصلنامه تخصصی علوم قرآن و حدیث)، سال چهارم، ۱۳۸۹.

۲. شمس، علی، «برزخ در علم کلام»، معارف عقلی، شماره ۳، ۱۳۸۵.

- سایت‌ها

جلسه درس اخلاق آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۹۸/۱۱/۰۳) شناسه‌خبر ۲۵۶۶۲۵۷۹

www.javadi.esra.ir